

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

## به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

صلح، حفظ شیعیان

۹

اعتراض نزدیکان

۳۰ دی ۱۳۸۸

۴ صفر المظفر ۱۴۳۱

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

### شخصیت حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام

با قرار گرفتن در ایام شهادت حضرت امام مجتبیٰ علیه السلام محور کلام را در مورد شخصیت و مظلومیت آن امام بزرگوار علیه السلام قرار می‌دهیم. در مورد زمان شهادت این امام معصوم علیه السلام اختلاف نظر وجود دارد. سخن مشهور این است که ایشان علیه السلام در روز بیست و هشتم ماه صفر به شهادت رسیده‌اند؛ ولی طبق قول اصح، روز هفتم ماه صفر، سالروز شهادت علیه السلام ایشان است<sup>(۱)</sup>.

اما آنچه اکنون مهم به نظر می‌رسد، شناخت و معرفت نسبت به مقام و جایگاه اهل بیت علیهم السلام مخصوصاً حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام است. در حدیث لوح - که معرفی اهل بیت علیهم السلام از جانب خداوند متعال است - به نکات دقیق و ظریفی درباره هر یک از خاندان وحی علیهم السلام اشاره شده است. خداوند متعال در این حدیث شریف خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

« وأكرمك بشبليک وسبطیک حسن وحسین ، فجعلت حسناً معدن

۱. منتهی الامال، صفحه ۲۷۸.

علمی بعد انقضاء مدّة آیه»<sup>(۱)</sup>.

تو را به وسیله فرزندان و نوه هایت، حسن و حسین علیهما السلام گرامی داشتم، پس حسن علیه السلام را بعد از اینکه دوران پدرش علیه السلام پایان پذیرفت، معدن خود علم قرار دادم.

در این حدیث شریف به دو ویژگی حضرت امام حسن علیه السلام اشاره شده است: ۱. وجود ایشان علیه السلام باعث تکریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شده است. ۲. این امام مظلوم علیه السلام دارنده علوم فراوان است.

### اعتراض خواص و عوام به صلح حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دوران امامت حضرت امام مجتبی علیه السلام به وقوع پیوست، ماجرای صلح ایشان علیه السلام با معاویه است. این ماجرا بهانه‌ای شد تا بعضی از دوستان، دشمنان، خواص، اصحاب، خویشان و نزدیکان به مقام شامخ و الهی حضرت امام مجتبی علیه السلام تعرض نموده، به انکار ایشان علیه السلام پردازند. بعضی از کسانی که لب به اعتراض گشودند، عبارتند از: حجر بن عدی کندی، مسیب بن نجبه، مالک بن حمزه، سفیان بن لیلی، بشیر همدانی و ابوسعید عقیصا.

### حجر بن عدی کندی

حجر بن عدی یکی از کسانی بود که زبان به اعتراض گشود. او یکی از تابعین

۱. کافی، جلد ۱ صفحه ۵۲۸.

و صحابی خاص حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و یکی از معدود افرادی بود که در مورد وی گفته می‌شد:

«کان من الأبدال»<sup>(۱)</sup>.

شبهات‌های فراوانی میان او و خاندان وحی علیهم السلام وجود داشت. او در سه جنگ جمل، صفین و نهروان در رکاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر به دست گرفت و در مواردی فرماندهی بخشی از سپاه نیز به او سپرده شد. استواری او در ایمان به خاندان وحی علیهم السلام را می‌توان در روایت زیر مشاهده نمود. او می‌گوید: روزی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به من فرمودند:

«کیف تصنع أنت إذا ضربت وأمرت بلعنتي؟ فقلت له: كيف أصنع؟»

قال علیه السلام العني ولا تبرأ مني فإني، علی دین الله»<sup>(۲)</sup>.

هنگامی که تو را مورد آزار و اذیت قرار دهند و به تو فرمان دهند که من را لعنت کنی، چه می‌کنی؟ عرض کردم: چه کنم؟ امام علیه السلام فرمودند: من را با زبان لعن کن؛ ولی هرگز در دل و نیت، از من بی‌زاری نجوی؛ زیرا من طبق دین و آیین خدا رفتار می‌کنم.

او با اینکه این سخن را از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شنیده بود، ولی زمانی که با این مشکل مواجه شد، شهادت را به جان خرید، اما هیچ‌گاه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را لعن نکرده؛ به همین دلیل دشمنان، سر او را از تن جدا نمودند. ایمان و اعتقادات بسیار راسخ و راستین او باعث شد که اهل بیت علیهم السلام از او تعریف و تمجید کنند. حضرت سید الشهداء علیه السلام در پاسخ یکی از نامه‌های معاویه

۱. وسایل الشیعه، جلد ۳۰ صفحه ۳۳۸.

۲. بحار الأنوار، جلد ۳۹ صفحه ۳۲۳.

که در آن به قتل حجر اشاره شده بود، فرمودند:

«ألست القاتل حجراً أخاكندة والمصلين العابدين الذين كانوا  
ينكرون الظلم و يستعظمون البدع ولا يخافون في الله لومة  
لائم...»<sup>(۱)</sup>.

آیا تو حجر - از قبیلۀ کنده - و کسانی را که نماز گزار و عابد، بودند  
و ظلم و ستم را انکار و بدعت‌ها را ریشه کن می نمودند و در راه  
خدا از سرزنش هیچ ملامت کننده‌ای نمی هراسیدند، به قتل  
نرساندی؟

همین شخص - که ایمان و اعتقادات او مثال زدنی بود - بعد از صلح حضرت  
امام حسن علیه السلام در کوفه، نزد ایشان آمد و گفت:

«أما والله لو ددت أنك متّ في ذلك اليوم ومتنا معك ولم تر هذا اليوم،  
فإنّا رجعنا راغمين بما كرهننا ورجعوا مسرورين بما أحبّوا»<sup>(۲)</sup>.

سوگند به خدا! دوست داشتم تو در این روز مرده بودی و ما نیز  
مرده بودیم؛ و این روز را مشاهده نمی کردیم. ما با آنچه از آن  
دوری می کردیم باز گشتیم؛ در حالی که دشمنان، شادمان و با  
دست پُر از آنچه دوست داشتند، بازگشتند.

روایت دیگری اعتراض او را چنین بیان می کند که حجر نزد حضرت امام  
مجتبی علیه السلام آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم!

«لو ددت أنّي متّ قبل ما رأيت، أخرجتنا من العدل إلى الجور، فتركنا

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۴ صفحه ۲۱۲.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۴ صفحه ۵۷.

الحقّ الَّذي كُنّا عليه، ودخلنا في الباطل الَّذي كُنّا نهرب منه، وأعطينا  
الدنيّة من أنفسنا، وقبلنا الخسيسة التي لم تلق بنا»<sup>(۱)</sup>.

دوست داشتم قبل از اینکه این وقایع را ببینم مرده بودم. تو ما را از  
عدل به سوی ظلم و جور خارج نمودی، پس ما حقّ و حقیقتی را  
که داشتیم، رها نمودیم و در باطلی که از آن گریزان بودیم، وارد  
شدیم و تو ما را در نفسهایمان پست و ذلیل نمودی و ما چیز پست  
و بی ارزشی را پذیرفتیم که هرگز به ما نمی رسید.

او هنگامی که از نزد حضرت امام حسن علیه السلام خارج شد، همراه عبیده بن عمر و  
نزد حضرت امام حسین علیه السلام آمد و گفت:

« یا أبا عبد الله علیه السلام! شریتم الذلّ بالعزّ، وقبلتم القلیل، وترکتکم الكثير،  
أطعنا اليوم، واعصنا الدهر، دع الحسن علیه السلام وما رأى من هذا الصلح،  
واجمع إليك شیعتک من أهل الکوفة و غیرها، وولّنی وصاحبی هذه  
المقدّمة، فلا یشر ابن هند إلّا ونحن نقارعه بالسیوف»<sup>(۲)</sup>.

ای ابا عبد الله علیه السلام! شما خواری و ذلّت را در مقابل عزّت و  
سربلندی خریدید و کم را پذیرفته، زیاد را رها کردید. امروز از  
ما اطاعت کن و در طول روزگار با مخالفت نما، امام حسن علیه السلام را  
با نظرشان در مورد صلح رها کن. شیعیان و پیروانت را از اهل  
کوفه و غیر آن جمع نما و در مورد این امر با ما همراهی کن.  
[مواظب باش] ابن هند (معاویه) از این موضوع آگاه نشود، مگر  
اینکه او را با شمشیرهایمان از بین ببریم.

۱. الأخبار الطوال، صفحه ۲۲۰.

۲. الأخبار الطوال، صفحه ۲۲۰.

### مسیب بن نجبه

مسیب به این دلیل که نتوانست علت صلح حضرت امام مجتبیٰ علیه السلام با معاویه را به خوبی درک کند علیه امام، زبان به اعتراض گشود. او یکی از تابعین به شمار می‌رفت و در جنگ‌های سه گانه (جمل، صفین و نهروان) در رکاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شمشیر کشید. وی از نزدیکان حذیفه بن یمان بود که روایات فراوانی از او نقل کرده است. خصوصیت دیگر او این بود که همراه سلیمان بن سرد خزاعی که به ولاء و محبت اهل بیت علیهم السلام بسیار پای بند بود، بر بنی امیه و یزید شورش کرد که به ولاء و محبت اهل بیت علیهم السلام بسیار پای بند بود. وی بعد از داستان صلح مسیب همراه سلیمان بن سرد نزد حضرت امام مجتبیٰ علیه السلام آمده، عرض کردند:

« ما ینقضی تعجبنا منك بایعت معاویة و معك أربعون ألف مقاتل من الكوفة... »<sup>(۱)</sup>.

تعجب و شگفتی ما از عمل و رفتار تو از بین نمی‌رود. تو با معاویه بیعت نموده‌ای در حالی که چهل هزار مرد جنگجو از کوفه همراه تو هستند.

### خوارج معترض

در این میان گروه دیگری وجود داشتند که صلح حضرت امام مجتبیٰ علیه السلام برای آنان ناخوشایند بود و لب به اعتراض گشودند و حضرت علیه السلام را به خاطر این

۱. مناقب آل ابی طالب، جلد ۳ صفحه ۱۹۷.



کار ملامت نمودند. این افراد، کسی نبودند جز خوارج؛ همان کسانی که وقتی پس از شکست در جنگ نهروان، به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خیر دادند که تمامی آنها کشته شده‌اند، ایشان علیه السلام فرمودند: به خدا قسم که چنین نیست؛ ایشان نطفه‌هایی هستند در پشت مردها و زنها که هر زمان از آنها شاخی پدید می‌آید و می‌شکند و در آخر به دزد و راهزن تبدیل می‌شوند<sup>(۱)</sup>.

وقتی مالک بن حمزه - که یکی از خواص به شمار می‌رفت - اعتراض خود را به حضرت امام مجتبی علیه السلام اعلام نمود، خوارج که بسیار فرصت طلب بودند، فرصتی یافتند تا بتوانند کینه‌های گذشته خود را آشکار نمایند. از بین خوارج معترض، به اعتراض‌های سفیان بن لیلی و علی بن محمد بن بشیر همدانی و پاسخ‌های حضرت امام مجتبی علیه السلام به آن دو اشاره می‌کنیم:

سفیان بن لیلی نزد حضرت امام مجتبی علیه السلام آمد و گفت:

«السَّلام عليك يا مذلَّ المؤمنین» .

سلام بر تو ای خوار و ذلیل‌کننده مؤمنان.

امام علیه السلام سخنان سخیف و زشت او را شنیدند و با درایت و عاقبت اندیشی

فرمودند:

«ويحك أيها الخارجي لا تعتفني ، فإنَّ الَّذي أحوجني إلى ما فعلت

قتلكم أبي علیه السلام وطعنكم إيتاي وإنَّتها بكم متاعي وإتكم لما سرتم إلى

صفين كان دينكم أمام دنياكم وقد أصبحتم اليوم ودنياكم أمام

دينكم»<sup>(۲)</sup>.

۱. نهج البلاغه، خطبة ۶۰.

۲. بحار الأنوار، جلد ۴۴ صفحه ۲۳.

لعن و نفرین بر تو باد ای خارجی! مرا سرزنش مکن، همانا چیزی که مرا به این کار واداشت این بود که شما پدر مرا کشتید و به من طعنه‌ها زدید و اشیای مرا غارت نمودید، و زمانی که به صفین می‌رفتید دین تان پیشاپیش دنیایتان بود؛ ولی امروز صبح کرده‌اید در حالی که دنیای شما پیشاپیش دین تان می‌باشد.

حضرت علیه السلام در این کلام نورانی، به مطلبی اشاره می‌کنند که در تاریخ به ثبت رسیده است. آن مطلب این است که خوارج حتی قصد داشتند حضرت امام حسن علیه السلام را به قتل برسانند. زمانی که ایشان علیه السلام در مدائن لشکر خود را برای حمله به معاویه آماده می‌کردند، از سوی بعضی از افراد لشکر خود مورد سوء قصد قرار گرفتند و در این میان، ران مبارک حضرت علیه السلام مجروح شد و حتی سجاده‌ای را که در خیمه حضرت علیه السلام پهن بود به غارت بردند.<sup>(۱)</sup>

بشیر همدانی نیز نزد حضرت امام حسن علیه السلام آمد و گفت:

«السَّلامُ عَلَیْكَ يَا مَذَلَّ الْمُؤْمِنِينَ» .

سلام بر تو ای خوار و ذلیل کننده مؤمنان!

امام علیه السلام در پاسخ به بی‌احترامی او فرمودند:

«اجلس ، لست مذلل المؤمنین ، ولكنني معزهم ، ما أردت بمصالحتي معاوية إلا أن أدفع عنكم القتل عندما رأيت من تباطؤ أصحابي عن الحرب ، ونكولهم عن القتال ، والله لئن سرنا إليه بالجمال والشجر ما كان بد من إفضاء هذا الأمر إليه»<sup>(۲)</sup> .

۱. منتهی الامال، صفحه ۲۷۴.

۲. الأخبار الطوال، صفحه ۲۲۱.

بنشین! من مؤمنان را خوار و ذلیل نکردم، بلکه به آنها عزت و بزرگی بخشیدم. من به وسیله صلح با معاویه اراده و درخواستی نداشتم جز اینکه قتل و خونریزی را از شما دور نمایم، هنگامی که کندی و سستی اصحاب و یارانم را از جنگ و سرپیچی از پیکار مشاهده نمودم. قسم به خدا اگر به کوه و دشت پناه می بردیم چاره‌ای نداشتیم جز اینکه این عمل را مرتکب شویم.

عبدالله ابن زبیر نیز فرصت را مناسب دید و امام ع را به جُبْن و ترس متهم نمود.

در تاریخ ثبت است که صحابی دیگری نزد حضرت امام حسن ع آمد و با بی ادبی گفت:

«أذلت رقابنا حين أعطيت هذا الطاغية البيعة و سلمت الأمر إلى اللعين ابن آكلة الأكباد»<sup>(۱)</sup>.

آیا سرهای ما را به زیر افکندی (ما را ذلیل نمودی) هنگامی که بیعت را به انسانی طغیان‌گر و سرکش و اگذار نمودی و امور را به فرد نفرین شده و فرزند خورنده جگرها تسلیم کردی.

ابو سعید عقیصا شخص دیگری بود که نزد امام ع آمد و اعتراض خود را اعلام نمود. از پاسخ امام ع معلوم می‌شود که او انسانی مؤمن، متفکر، امام شناس، راسخ و استوار در ایمان بوده است. او می‌گوید نزد حضرت امام حسن ع آمدم و عرض کردم:

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۴ صفحه ۶۰.

« يا ابن رسول الله لم داهنت معاوية وصالحته ، وقد علمت أن الحقّ لك دونه وأنّ معاوية ضالّ باغ؟ فقال عليّ: يا أبا سعيد أليست حجّة الله تعالى ذكره على خلقه ، وإماماً عليهم بعد أبيّ عليّ؟ قلت : بلى ، قال عليّ: أليست الذي قال رسول الله ﷺ لي ولأخي عليّ: الحسن والحسين إمامان قاما أو قعدا؟ قلت : بلى ، قال عليّ: فأنا إذن إمام لو قمت ، وأنا إمام إذا قعدت ، يا أبا سعيد علّة مصالحتي لمعاوية علّة مصالحة رسول الله ﷺ لبني ضمرة وبني أشجع ، ولأهل مكّة حين انصرف من الحديبية ، أو لئلك كفّار بالتنزيل ومعاوية وأصحابه كفّار بالتأويل ، يا أبا سعيد إذا كنت إماماً من قبل الله تعالى ذكره ، لم يجب أن يسفه رأيي فيما أتيتّه من مهادنة أو محاربة ، وإن كان وجه الحكمة فيما أتيتّه ملتبساً . ألا ترى الخضر عليّ لما خرّق السفينة وقتل الغلام وأقام الجدار سخط موسى عليّ فعله ، لاشتباه وجه الحكمة عليه حتّى أخبره فرضي ، هكذا أنا سخطتم عليّ بجهلكم بوجه الحكمة فيه ، ولو لا ما أتيتّ لما ترك من شيعتنا على وجه الأرض أحد إلا قتل»<sup>(۱)</sup> .

ای فرزند رسول خدا ﷺ! چرا با معاویه کنار آمدی و با او صلح و سازش نمودی در حالی که می دانستی حق با تو است نه با معاویه گمراه و طغیان گر؟ حضرت عليّ فرمودند: ای ابا سعید! آیا من حجّت خداوند متعال بر مخلوقات و امام و رهبر مردم بعد از پدرم عليّ نیستم؟ عرض کردم؛ بلی! امام عليّ فرمودند: آیا من آن

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۴ صفحه ۲.

کسی نیستم که رسول خدا ﷺ در مورد من و برادریم علیؑ فرمود: حسن و حسین علیهما السلام هر دو امام هستند، چه قیام کنند و چه سکوت نمایند؟ عرض کردم: بلی! امام علیؑ فرمودند: پس من امام هستم چه قیام کنم و چه سکوت نمایم. ای ابا سعید! دلیل و علت صلح من با معاویه همان علتی است که رسول خدا ﷺ با قبیله بنی ضمیره و بنی اشجع و با اهل مکه هنگامی که از حدیبیه باز می‌گشت صلح نمود. تفاوتش این است که آنها به قرآن کافر شدند و معاویه و اصحابش به تأویلش. ای ابا سعید! اکنون من از سوی خداوند متعال امام و رهبر هستم. جایز نیست که رأی و نظر من در جنگ و صلح سفیهانه خوانده شود، ولو اینکه حکمت آن عملی که من انجام می‌دهم نامعلوم باشد. مگر [در قرآن] ندیده‌ای نشنیده‌ای هنگامی که حضرت خضر علیہ السلام کشتی را سوراخ کرد و آن کودک را کشت و آن دیوار پوسیده را به پا داشت، موسی علیہ السلام از افعال او خشمناک شد. چون او دلیل و حکمت آن را نمی‌دانست؛ ولی هنگامی که حکمت‌ها را دریافت، راضی شد؛ حالت من هم چنین است شما از کار من خشمگین شدید چون حکمت آن را نمی‌دانستید و اگر من صلح نمی‌کردم هیچ شیعه‌ای در زمین یافت نمی‌شد مگر اینکه به قتل می‌رسید.

### حضرت امام مجتبیٰ علیہ السلام در مقام پاسخگویی

چنانچه گذشت، تعداد بسیاری از صحابه و حتی دشمنان (مانند خوارج) به صلح حضرت امام مجتبیٰ علیہ السلام اعتراض نمودند.

امام علیه السلام به هر کسی با توجه به ظرفیت و دانایی اش پاسخ می‌دادند. از مجموع پاسخ‌های امام علیه السلام، دو پاسخ کلی و جامع به دست می‌آید:

۱. پاسخ ظاهری: طبق این پاسخ، امام علیه السلام شرایط حاکم بر حکومت و لشکر خود را تشریح می‌نمودند، تا شاید افراد ظاهربین بپذیرند که دوستان امام علیه السلام کم و دشمنان ایشان علیه السلام زیاد هستند. همچنین بپذیرند که افراد منافق به دلیل رشوه‌های فراوانی که از سوی معاویه دریافت می‌کردند، امام علیه السلام را تنها می‌گذاشتند. به عنوان نمونه می‌توان از عبیدالله بن عباس - پسر عموی حضرت امام حسن علیه السلام - نام برد.

او فرمانده لشکر حضرت امام حسن علیه السلام بود.

معاویه او را شبانه با یک میلیون درهم - که پانصد هزار درهم آن نقد بود - از لشکر امام علیه السلام جدا کرد و به لشکر خود ملحق نمود. هنگام نماز صبح، لشکر حضرت امام حسن علیه السلام بسیار منتظر فرمانده لشکر ماندند تا او نماز را اقامه کند، ناگهان عبیدالله در صفوف دشمن خودنمایی نمود تا شاید به این وسیله افراد دیگری را به سوی لشکر معاویه بکشاند<sup>(۱)</sup>.

۲. پاسخ عقلانی و وحیانی: عده‌ای از افراد بودند که ظواهر را نادیده می‌انگاشتند و تنها دلایل عقلی و محکم را می‌پذیرفتند (مانند ابو سعید عقیصا). امام علیه السلام در پاسخ به چنین افرادی، مقام و جایگاه امامت را به آنان گوشزد می‌کردند که این مقام، منصبی الهی است و خداوند متعال به آنان علوم و دانش فراوانی عطا نموده است؛ از این رو کسی که بر همه چیز و همه‌مصلح و مفاسد در

۱. منتهی الامال، صفحه ۲۷۵.

عالم تشریح و تکوین احاطه علمی دارد، هرگز در رأی و عقیده خود دچار اشتباه نمی‌شود.

اگر کسی امام علیه السلام را به این صورت بشناسد، هرگز به خود اجازه نمی‌دهد که به توهین و سخریه امام علیه السلام بپردازد؛ زیرا این مقام، مقامی اعتباری یا مجعول به جعل شورا، سقیفه، اجماع و آرای مردم نیست که در او احتمال خطا و گمراهی، فراوان باشد؛ بلکه امام علیه السلام واسطه‌ای است که فیوضات ربوبیه را به خلق اعطا می‌نماید؛ به همین دلیل در مقابل ایشان علیه السلام باید مطیع و فرمان بردار بود.

مباحث مربوط به امامت و جایگاه آن، در جلد اول کتاب آیات ولایت و امامت به صورت مفصل مطرح گردیده است؛ اما در ادامه به صورت مختصر با استناد به سخنان اهل بیت علیهم السلام در این مورد سخن خواهیم گفت.

### تبیین جایگاه و منزلت امامت در سخنان اهل بیت علیهم السلام

برای اینکه بتوانیم حقیقت و کُنه مقام امامت را دریابیم، بهتر است به سخنان گرانقدر اهل بیت علیهم السلام مراجعه کنیم. سعد بن عبدالله اشعری سؤالاتی را در ذهن خود مرور می‌نمود. روزی برای دریافت پاسخ سؤالات خود قصد می‌کند خدمت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) شرفیاب شود. او می‌گوید: خدمت حضرت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) شرفیاب شدم و عرض کردم:

«فأخبرني يا مولاي عن العلة التي تمنع القوم من اختيار امام

لأنفسهم قال عليه السلام: مصلح أو مفسد؟ قلت: مصلح، قال عليه السلام: فهل

يجوز أن تقع خيرتهم على المفسد بعد أن لا يعلم أحد بما يخطر ببال

غيره من صلاح أو فساد؟! قلت: بلى، قال عليه السلام: فهي العلة أوردها لك ببرهان يثق به عقلك. أخبرني عن الرسل الذين اصطفاهم الله وأنزل الكتب عليهم، وأيدهم بالوحي والعصمة، إذ هم أعلام الأمم وأهدى إلى الاختيار منهم، مثل موسى وعيسى عليهما السلام هل يجوز مع وفور عقلمها، وكمال علمهما، إذا هما بالاختيار أن تقع خيرتهما على المنافق، وهما يظنان أنه مؤمن؟ قلت: لا، فقال عليه السلام: هذا موسى كليم الله عليه السلام مع وفور عقله وكمال علمه، ونزول الوحي عليه، اختار من أعيان قومه ووجوه عسكره لميقات ربّه سبعين رجلاً ممن لا يشكّ في إيمانهم وإخلاصهم، فوقعت خيرته على المنافقين، قال الله عزّ وجلّ ﴿وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا﴾<sup>(١)</sup> إِلَى قَوْمِهِ ﴿لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ﴾<sup>(٢)</sup>. فلما وجدنا اختيار من قد اصطفاه الله للنبوة واقعاً على الأفسد، دون الأصلح وهو يظنّ أنه الأصلح دون الأفسد، علمنا أن لا اختيار إلا لمن يعلم ما تخفى الصدور، وتكنّ الضمائر، ويتصرّف عليه السرائر، وأن لا خطر لاختيار المهاجرين والأنصار، بعد وقوع خيرة الأنبياء على ذوي الفساد لما أرادوا أهل الصلاح»<sup>(٣)</sup>.

ای مولای من! مرا آگاه کن که چرا مردم نمی توانند امامشان را انتخاب نمایند؟ امام عليه السلام فرمودند: آیا انتخاب انسان صالح و

١. سورة اعراف، آیه ١٥٥.

٢. سورة بقره، آیه ٥٥.

٣. بحار الأنوار، جلد ٥٢ صفحه ٨٤.



نیکوکار را سؤال می‌کنی یا فاسد را؟ عرض کردم: صالح را. امام علیه السلام فرمودند: آیا امکان دارد مردم به جای فرد صالح، انسان فاسد را انتخاب کرده باشند در حالی که هیچ شخصی از باطن و ضمیر افراد اطلاع ندارد که آیا صالح اند یا فاسد؟ عرض کردم: بلی! امام علیه السلام فرمودند: به همین دلیل مردم نمی‌توانند امام انتخاب کنند. اکنون با دلیلی که عقلت به آن اعتماد پیدا کند برایت شرح می‌دهم: مرا خبر بده از پیامبرانی که خداوند متعال آنها را برگزید و بر آنها کتب آسمانی نازل نمود، و آنها را با وحی و عصمت یاری کرد؛ زیرا آنها بالاترین افراد امت اند و اختیار آنان به هدایت نزدیک‌تر است، مثل موسی و عیسی علیهما السلام، آیا بر آنها جایز است با اینکه عقل فراوان و علم کامل دارند هنگام اختیار، منافق را برگزینند در حالی که گمان می‌کنند مؤمن را اختیار کرده‌اند؟ عرض کردم: خیر! امام علیه السلام فرمودند: حضرت موسی علیه السلام که هم سخن با خداوند است، با کمال دانش و فراوانی عقلش و نزول کلام وحی بر او، هفتاد مرد از بزرگان قوم خود و فرماندهان سپاهش که در ایمان و اخلاص آنها شک نداشت برای دیدار با پروردگارش انتخاب نمود؛ ولی آنها منافق از کار در آمدند. خداوند متعال می‌فرماید: موسی علیه السلام از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید - تا اینجا که - [ای موسی علیه السلام] ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه خدا را

آشکارا با چشم ببینیم، پس صاعقه‌ای آمد و آنها را به خاطر ظلمشان در برگرفت. پس وقتی اختیار کسی را که خدا او را برای نبوت برگزیده، اشتباه و فاسد یافتیم در حالی که گمان می‌کرده اصلح را برگزیده، یقین می‌کنیم که اختیار صحیح و صالح نخواهد بود مگر برای کسی که آنچه را در دل و باطن افراد است، می‌داند، پس وقتی پیامبر برگزیده خدا در مقام انتخاب افراد صالح، افراد فاسد را انتخاب کند، به طور حتم مهاجران و انصار از این خطر برکنار نبودند.

امام زمان علیه السلام در این روایت پر محتوا انسان‌ها را به پذیرفتن سخنان و اعتقادات عقلی و برهانی دعوت می‌نماید و از اتکای به احساسات، عواطف و جار و جنجال‌ها برحذر می‌دارد، حتی پذیرفتن تعبدی تنها در عبادات جریان خواهد یافت و در موارد دیگر حتماً باید برهان و دلیل عقلی را جستجو کرد. انسانی که در انتخاب و گزینش به احساسات و ظواهر اکتفا می‌کند، همیشه در بیراهه قدم بر می‌دارد. پس چون انسان‌های معمول از باطن و ضمائر افراد اطلاع ندارند، نمی‌توانند انتخاب دقیقی داشته باشند. چه بسا مؤمنانی بودند که بعد از رسیدن به دنیا و متاع زودگذر آن، از دین و دیانت دست کشیدند.

عبدالملک مروان در جامعه اسلامی به صلاح و خوبی شهرت یافته بود تا جایی که به او «حمام الحرم؛ کبوتر حرم». لقب داده بودند؛ زیرا از مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیرون نمی‌آمد و همیشه مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار بود. او به مجرد اینکه از فوت پدر خود آگاه شد و به حکومت رسید، همانجا قرآن را

بوسید و گفت :

« هذا افراق بيني وبينك » .

زمان جدایی من و تو رسیده است .

بنابر این در جایی که انسان‌ها ممکن است به دلایل بسیاری در انتخاب رهبر به احساسات و عواطف خود اتکا کنند، خداوند متعال انسان‌هایی را به عنوان هادی فرستاده است که از علوم مختلفی بهره‌مند هستند و می‌توانند انسان‌ها را به سعادت برسانند .

در روایتی، علم امام علیه السلام این گونه توصیف شده است: امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اسم اعظم خداوند متعال هفتاد و دو حرف دارد که از آن‌ها، هفت حرف به حضرت نوح علیه السلام، پنج حرف به ابراهیم علیه السلام، ده حرف به موسی علیه السلام، هشت حرف به عیسی علیه السلام و هفتاد و یک حرف به ما خاندان وحی اهل بیت علیهم السلام اهدا شده است <sup>(۱)</sup> .

طبق آیات و روایات فراوان به این نتیجه می‌رسیم که اهل بیت علیهم السلام امامت همه مخلوقات ( انس، جن، خورشید، ستارگان، ملائکه و ...) را بر عهده گرفته‌اند. و هدایت تمام اینها، علوم و دانش‌های فراوانی را می‌طلبند. امام علیه السلام در همه چیز و همه جا، پیشوا و مقدم است، حتی بر عصر و زمان مقدم است و به همین دلیل است که گذشت زمان بر امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) تأثیر نمی‌گذارد؛ زیرا این امام است که بر زمان تقدم و پیشی گرفته و هرگز متبوع از تابع خود پیشی نخواهد گرفت. انسان‌های معمولی با گذراندن دوران طفولیت،

۱. کافی، جلد ۱، صفحه ۲۳۰.

نوجوانی، جوانی، میانسالی و پیری به پیشواز مرگ خواهند رفت؛ زیرا این زمان است که بر آنها تأثیر می‌گذارد و آنها را به مرگ نزدیک‌تر می‌کند. این نکته در روایات فراوانی تذکر داده شده است که رفت و آمد روز و شب، انسان‌ها را به اجل‌های خود نزدیک کرده، هر چیز تازه و جدیدی را می‌پوشاند<sup>(۱)</sup>.

واژه «ولّی» به معنای سرپرست که به اهل بیت علیهم‌السلام اطلاق می‌شود به معنای قیوم و پشتوانه تمام اشیا نیز هست. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>(۲)</sup>.

سرپرست و ولی شما، تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز، بر پا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

این آیه در شأن حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نازل شده و عمل ایشان علیهم‌السلام را که در حال رکوع به بینوایی کمک کرده بودند، مورد تحسین قرار داده است.<sup>(۳)</sup> چند روز قبل، شخصی را که از مذهب تسنن دست کشیده و شیعه شده بود، نزد من آوردند. سؤالات و شبهات فراوانی در ذهن داشت. یکی از آن شبهات در مورد این آیه شریف بود. او می‌گفت: اهل سنت ادعا می‌کنند که اگر این آیه در

۱. اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۵۹۸. از منابع اهل سنت: کنز العمال، جلد ۱۶ صفحه ۱۶۱ و المعجم الكبير، جلد ۲۰ صفحه ۳۳.

۲. سوره مائده، آیه ۵۵.

۳. تفسیر الصافی، جلد ۲، صفحه ۴۵. از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۲، صفحه ۵۱۹.

مورد حضرت علی علیه السلام نازل شده باشد، پس معلوم می‌شود که حضرت علی علیه السلام در نماز حضور قلب نداشته و از اخلاص به دور بوده‌اند! در پاسخ او به دو نکته اشاره نمودم:

۱. اگر این عمل با اخلاص و حضور قلب در نماز منافات دارد، چرا عمر مرتکب چنین اشتباهی شد؟ او می‌گوید:

«والله لقد تصدقت بأربعين خاتماً وأنا راعع لينزل فيّ ما نزل في عليّ بن أبي طالب، فما نزل»<sup>(۱)</sup>.

قسم به خدا! در حالت رکوع چهل انگشتر صدقه دادم تا شاید آنچه در مورد علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شد، در مورد من هم نازل شود، ولی هرگز نازل نشد.

لذا اگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام یک مرتبه حضور قلب خود را در نماز از دست داد عمر چهل مرتبه دچار چنین اشتباهی شد.

۲. در جایی که آیه قرآن این عمل را تحسین نموده و آن را موجب برتری و افضلیت می‌داند چگونه به خود جرئت دهیم که در برابر حکم خدا اظهار نظر کنیم و این عمل را عملی منافی با اخلاص و حضور قلب در نماز معرفی نماییم؟!

### حضرت امام مجتبی علیه السلام سرشار از علم و دانش

سخنان حکیمانه و هدایت کننده فراوانی از حضرت امام حسن علیه السلام به جای مانده است که هر انسان حقیقت بینی را به بُهت و شگفتی وادار می‌نماید. اگر

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۵ صفحه ۱۸۴.

سخنان بلیغ و حکمت‌آمیز ایشان را در باب اداب و اخلاق فردی و اجتماعی جمع آوری نماییم، کمتر از نهج البلاغه نخواهد بود. یکی از علائم مظلومیت حضرت امام حسن علیه السلام نیز همین مطلب است که تا به حال سخنان ایشان در کتابی جداگانه جمع آوری نشده است. ایشان در موارد متعدّد خطبه‌هایی ایراد کرده‌اند که به خطبه‌های ارتجالی معروف گردیده است.

خطبه‌های ارتجالی به سخنان و بیاناتی گفته می‌شود که بدون هیچ زمینه و مقدمه و بدون هیچ مطالعه‌ای بیان می‌گردد. این‌گونه خطبه‌ها نشان از دانش فراوان حضرت امام مجتبی علیه السلام دارد. این مقام و علوم، همان چیزی است که حدیث لوح از آن با تعبیر «معدن علمی» پرده برداشت. در این مجال به دو نمونه از سخنان گهربار حضرت امام حسن علیه السلام اشاره می‌کنیم:

۱. حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

«أتی قوم من الشيعة الحسن بن علي عليه السلام بعد قتل أمير المؤمنين عليه السلام فسألوه أن يريهم آية، فقال عليه السلام: تعرفون أمير المؤمنين عليه السلام إذا رأيتموه؟ قالوا: نعم، قال عليه السلام: فارتفعوا السّتر، فرفعوه فإذا هم بأمر المؤمنين عليه السلام لا ينكرونه، وقال أمير المؤمنين عليه السلام: يموت من مات منّا وليس بميت، ويبقى من بقي منّا حجة عليكم»<sup>(۱)</sup>.

گروهی از شیعیان بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام نزد حضرت امام حسن علیه السلام آمدند، و از امام علیه السلام خواستند که نشانه امامت خود را آشکار نماید، امام علیه السلام فرمودند: اگر امیرالمؤمنین علیه السلام را ببینید

۱. إثبات الهداة، جلد ۴ صفحه ۲۰.

می شناسید؟ عرض کردند: بلی! امام علیه السلام فرمودند: آن پرده را بالا بزنید. زمانی که چنین کردند ناگهان امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدند به صورتی که نمی توانستند انکار کنند. در این حال امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: مرده محسوب می شود از ما کسی که مرده است در حالی که نمرده است و باقی می ماند کسی که از ما باقیست تا حجّت و راهنمای شما باشد.

۲. شخصی نزد حضرت امام حسن علیه السلام آمد و عرض کرد: ای پسر رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم!

«إني من شيعتكم، فقال عليه السلام: يا عبدالله! إن كنت لنا في أوامرنا وزواجرنا مطيعاً فقد صدقت وإن كنت بخلاف ذلك، فلا تزدني ذنوبك بدعواك مرتبة شريفة ليست من أهلها، لا تقل لنا: أنا من شيعتكم ولكن قل: أنا من مواليكم ومحبيكم ومعادي أعدائكم»<sup>(۱)</sup>.  
به درستی که من از شیعیان شما هستم. حضرت امام علیه السلام فرمودند: ای بنده خدا! اگر در فرامین (دستورات) و ممنوعات (نواهی) مطیع و فرمانبردار ما هستی راست گفته ای؛ ولی اگر در عمل بر خلاف ما رفتار می کنی پس با ادّعی مرتبه و مقامی والا و شریف که اهل آن نیستی به گناهان خود نیافزا. این چنین نگو که من از پیروان شما هستم؛ ولی این چنین بگو: من از ولایتمداران و دوستداران شما و دشمن دشمنان شما هستم.

۱. بحار الأنوار، جلد ۶۵ صفحه ۱۵۶.

بنابر این کسانی که به حضرت امام حسن علیه السلام در مورد صلح با معاویه اعتراض نمودند و ایشان را با الفاظی زشت و سخیف خطاب قرار دادند، دچار لغزش و گناه شدند؛ زیرا قیام هرگز با امامت ملازم و همراه نیست و چه بسا مواردی که اهل بیت علیهم السلام به سکوت و مصالحه مأمور باشند.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«الحسن والحسين إمامان قاما أو قعدا»<sup>(۱)</sup>.

حسن و حسین علیهم السلام هر دو امام و پیشوا هستند؛ خواه قیام کنند یا صلح و سکوت.

وظیفه‌ای که بر عهده روش مدعیان تشیع و شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نهاده شده این است که به سخنان و بیانات اهل بیت علیهم السلام واقف شده، به آنها عمل نمایند.

### مظلومی بی همتا

سیاست والا و شگفت حضرت امام مجتبی علیه السلام به گونه‌ای بود که جایگاه و منزلتش میان مردم صد چندان شده بود. به همین دلیل معاویه از عاقبت این کار در هراس بود و از طرفی معاویه در تمام کارهایش با شکست رو به رو شده بود؛ از این رو به فکر افتاد تا این امام معصوم را از میان بردارد و برای این کار به دسیسه‌های پلیدی روی آورد.

حضرت امام مجتبی علیه السلام میان اهل بیت علیهم السلام از مظلومیت خاصی برخوردار

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۳، صفحه ۲۹۱.



هستند. اگر فرماندهان لشکر یا حتی اقوام و خویشان حضرت امام مجتبیٰ علیه السلام با رشوه‌های معاویه از امام علیه السلام دست کشیدند قابل تحمل است؛ ولی آنچه تحمل این مصیبت را سخت می‌نماید این است که همسرشان - کسی که باید محرم راز و دردهای امام علیه السلام باشد - به ایشان علیه السلام خیانت کرد و بر اثر دسیسه‌های معاویه، حضرت امام حسن علیه السلام را مظلومانه مسموم نمود.

بنابراین روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده است که امام حسن مجتبیٰ علیه السلام خبر از مسمومیت خویش داشتند امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«إنّ الحسین بن علی بن ابي طالب علیه السلام دخل يوماً إلى الحسن علیه السلام فلما نظر إليه ، بکی فقال علیه السلام له : ما بيك يا أبا عبد الله ؟ قال علیه السلام : أبکی لما یصنع بك . فقال له الحسن علیه السلام : إنّ الذي یؤتی إلى سم یدسّ إلى فأقتل به ، ولكن لا یوم کیومک یا أبا عبد الله ! یزدلف إليك ثلاثون ألف رجل ، یدعون أنّهم من أمة جدنا محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، وینتحلون دین الإسلام ، فیجتمعون علی قتلك ، وسفک دمک ، وانتهاک حرمتک ، وسبی ذراریک ونسائک ، وانتهاک ثقلک ، فعندها تحلّ ببني أمیة اللعنة ، وتمطر السماء رماداً ودماً ، وبيکي علیک کلّ شیء حتی الوحوش فی الفلوات ، والحيثان فی البحار<sup>(۱)</sup>»

روزی حضرت امام حسین علیه السلام بر حضرت امام حسن علیه السلام وارد شدند و چون ایشان را دیدند، گریستند. حضرت امام حسن علیه السلام فرمودند: برای چه گریه می‌کنی؟ حضرت امام حسین علیه السلام

۱. امالی صدوق، صفحه ۱۷۷.

فرمودند: به خاطر رفتاری که با شما شده است گریه می‌کنم. حضرت امام حسن علیه السلام فرمودند: سَمی وارد بدن من شده و من به وسیله آن کشته می‌شوم؛ اما یا ابا عبد الله! روزی مانند روز شما نیست؛ سی هزار مرد نزدیک شما می‌شوند و ادعا می‌کنند از امت جدّمان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و پیرو دین اسلام هستند؛ درحالی که بر کشتن شما و ریختن خون و هتک حرمت شما گرد می‌آیند و فرزندان و زنان شما را به اسارت می‌گیرند و اشیای گرانبهای شما را غارت می‌کنند. در این هنگام لعن بر بنی امیه جایز است و آسمان خاکستر و خون می‌گیرد و همه چیز حتّی حیوانات در جنگل‌ها و ماهیان در دریاها بر شما می‌گیرند.

طبق نقل بعضی از تواریخ، این ایّام متعلّق است به دختر سه ساله سید الشهدا علیه السلام که با کنیه رقیه مشهور گردیده است. اگر انسان دور از هر گونه تعصّب و تحجّری به انسانیت توجه نماید، عمق این مصیبت را درک خواهد کرد که یک دختر سه ساله چه گناهی مرتکب شده است که وقتی بهانه پدر را می‌گیرد، سر بریده پدرش را در برابر دیدگان او قرار می‌دهند!

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

## خودآزمایی

- ① حدیث شریف لوح حضرت امام مجتبیٰ علیه السلام را چگونه معرفی می‌کند؟
- ② حُجر بن عدی چگونه شخصیتی بود؟ و در اعتراض به امام علیه السلام چه گفت؟
- ③ مسیب بن نجیبه که بود؟
- ④ حضرت امام مجتبیٰ علیه السلام در پاسخ به بی احترامی سفیان بنی لیلی چه فرمودند؟
- ⑤ پاسخ‌های امام حسن مجتبیٰ علیه السلام به معترضان به چند بخش تقسیم می‌شوند؟
- ⑥ طبق حدیث شریف امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) برخورد انسان با مسائل باید چگونه باشد؟
- ⑦ آیا حضرت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) بر تمام مخلوقات حتی زمان تقدّم و پیشی دارند؟
- ⑧ آیا انفاق حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در حال رکوع، با اخلاص منافات دارند؟
- ⑨ خطبه‌های ارتجالی چیست؟ نمونه‌ای سخنان حضرت امام مجتبیٰ علیه السلام را بیان نمائید؟
- ⑩ معاویه برای به دست آوردن منزلت خود چه دسیسه‌ای به کار برد؟

امام علیه السلام فرمودند: آیا من آن کسی نیستم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد من و برادر من علیه السلام فرمود: حسن و حسین علیهما السلام هر دو امام هستند، چه قیام کنند و چه سکوت نمایند؟ عرض کردم: بلی! امام علیه السلام فرمودند: پس من امام هستم چه قیام کنم و چه سکوت نمایم. ای ابوسعید! دلیل و علت صلح من با معاویه همان علتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله یا قبیلۀ بنی زبیر و بنی اشجع و با اهل مکه هنگامی که از حد یبئه باز می گشت صلح نمود. نفا و تش این است که آنها به قرآن کافر شدند و معاویه و اصحابش به تأویلش، ای ابوسعید! اکنون من از سوی خداوند متعال امام و رهبر هستم. جایز نیست که رأی و نظر من در جنگ و صلح سفیهانه خوانده شود، ولو اینکه حکمت آن عملی که من انجام می دهم نامعلوم باشد. مگر [در قرآن] ندیده ای نشنیده ای هنگامی که حضرت خضر علیه السلام کشتی را سوراخ کرد و آن کودک را کشت و آن دیوار پوسیده را به پاداشت، موسی علیه السلام از افعال او خشمناک شد. چون او دلیل و حکمت آن را نمی دانست؛ ولی هنگامی که حکمت ها را دریافت، راضی شد؛ حالت من هم چنین است شما از کار من خشمگین شدید چون حکمت آن را نمی دانستید و اگر من صلح نمی کردم هیچ شیعه ای در زمین یافت نمی شد مگر اینکه به قتل می رسید. (صفحه ۱۲ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت:
- ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

### محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۴۳۴۳-۴۴۴۵۲۷۷-۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک: [info@yasrebi.ir](mailto:info@yasrebi.ir)

[www.yasrebi.ir](http://www.yasrebi.ir)

به سوی معرفت ۹۹

۶